

پنبه در منطقه گنبد و گرگان

پنبه یکی از محصولات اساسی منطقه گرگان و گنبد است که علاوه بر اهمیت آن در کشاورزی و اقتصاد کشور نقش بسزایی در تأمین مواد اولیه بخشی از صنایع کشور را دارد. با توجه به سابقه کشت طولانی‌ای که پنبه در این منطقه زرخیز دارد، در سالهای قبل از انقلاب اسلامی محصولی بی‌رقیب از نظر اقتصادی بود و سطح زیر کشت آن به سطحی حدود ۱۷۰ هزار هکتار می‌رسید. علاوه بر استعداد اراضی گرگان و گنبد برای زراعت پنبه این منطقه بدلیل شرایط خاص آکولوژیکی خود مناسب‌ترین محل برای توسعه کشت این محصول می‌باشد. با در نظر گرفتن مرغوبیت پنبه این منطقه و بازده در هکتار نظیر چنین شرایط مستعد در سایر نقاط ایران کمتر وجود دارد. در حالیکه برای سایر محصولات استراتژیک از قبیل غلات و غیره چنین محدودیتی وجود ندارد و تقریباً در اکثر نقاط ایران افزایش کشت و میزان تولید آنها ممکن است.

نوع پنبه گرگان و گنبد از نظر کیفیت علاوه بر آنکه از محصول سایر مناطق ایران مرغوبتر می‌باشد، رقابت واقعی با محصول کشورهای پنبه‌خیز جهان دارد بطوریکه در گذشته بازرگانان خارجی برای دست یابی به بازارهای جهانی مقداری از پنبه‌های این منطقه خریداری کرده و برای فروش با محصول سایر کشورها مخلوط می‌کردند.

زراعت پنبه در مقایسه با سایر زراعت‌های متداول در منطقه از نظر اشتغال زانی در درجه اول اهمیت قرار دارد و ۶۰ الی ۷۰ درصد نیاز صنایع وابسته به پنبه از قبیل کارخانجات پنبه پاک‌کنی، روغن‌کشی، ریسندگی و بافندگی و غیره در منطقه گرگان و گنبد تولید می‌شود. بنا بر این کاهش تولید

این محصول عواقبی از قبیل بیکار شدن هزاران نفر پرسنل صنایع وابسته و به هدر رفتن میلیاردها ریال سرمایه گذاریهای انجام شده در بر خواهد داشت. ضمناً برای تأمین مواد اولیه صنایع وابسته به این محصول بدلیل عدم وجود بعضی از آفات مهم قرنطینه‌ای در کشور که خود از مزایای محصول پنبه است به هیچ عنوان نمیتوان کمبود این محصول را از کشورهای دیگر تأمین نمود.

با توجه به ابعاد مختلف صنایع وابسته از نظر تولیدات و اشتغال و غیره و با توجه به اینکه بیش از پنجاه و یک درصد از سطح کشت پنبه کل کشور و بیش از شصت و دو درصد تولیدش کشور اختصاص به منطقه گرگان و گنبد دارد بنا بر این کاهش تولید پنبه در این منطقه تأثیر بسزایی در گردش کارخانجات وابسته به این محصول و در نتیجه در اقتصاد منطقه و کشور بوجود خواهد آورد.

با در نظر گرفتن نقش کشت پنبه در رسیدن به خودکفایی در امر کشاورزی بایستی زراعت پنبه در منطقه گرگان و گنبد در راس سایر محصولات استراتژیک و غیر استراتژیک قرار گرفته و خود محور اصلی کشاورزی در منطقه محسوب گردد ولی متأسفانه با توجه به آمار می‌بینیم بیشترین نوسانات در میزان تولید پنبه از سال ۵۶ تا کنون اکثراً در این منطقه بوده و میزان تولید سایر نقاط کشور تفاوت قابل توجهی با گذشته نداشته است لذا بایستی برای از بین بردن عواملی که یک‌ه‌یک باعث کاهش سطح زیر کشت و تولید پنبه در این منطقه شده اقدامات اساسی صورت گیرد که در غیر اینصورت این مسئله عواقب وخیمی برای کشاورزی و اقتصاد کشور بدنبال خواهد داشت.

*** با در نظر گرفتن نقش کشت پنبه در رسیدن به خودکفایی در امر کشاورزی بایستی زراعت پنبه در منطقه گرگان و گنبد در راس سایر محصولات اساسی و غیر اساسی قرار گرفته و خود محور اصلی کشاورزی در منطقه محسوب گردد.**

وضعیت کلی منطقه گنبد و گرگان:

منطقه گنبد و گرگان (ترکمن صحرا) دشت حاصلخیزی است که بدلیل همین حاصلخیزی، رضاخان در زمان حکومت ننگین خود اکثر این اراضی را با زور سرنیزه به تصرف درآورد و با ۴۴ هزار سند تمام آنها را بنام خود ثبت نمود و هر اعتراضی را با زور سرنیزه خاموش نمود و وصیت نمود که پس از خود تمام آن اراضی به پسرش محمدرضاخان معدوم منتقل گردد و او هم بتدریج آنها را بعنوان هدیه به امراء ارتش، ساواک، خانواده‌اش و غیره توسط سرلشکر مزین نماینده خود در منطقه واگذار نمود و مقداری را هم بفروش رساند و چون اکثر مالکین جدید، خودتوانایی اداره زمینها را نداشتند هویدا معدوم با تبلیغات زیاد در منطقه سیستان، مردم آنجا را که با خشک شدن آب رود



هیرمند و خشکسالی بوجود آمده در فقر و تنگدستی بسر می بردند دعوت به مهاجرت به منطقه گرگان نمود و وعده طلای سفید و درآمد سرشار در آن منطقه را به آنان داد و بدین ترتیب هزاران نفر از مردم سیستان روانه کار بر روی اراضی مالکین و فنودالهای جدید منطقه شدند و با مزدهای بسیار ناچیز و قراردادهای ظالمانه مشغول بکار شدند، بدین ترتیب توسط غاصبین اراضی در این منطقه با نیروی کار ارزان و بازار خوب روز بروز تولید پنبه افزوده می شد و تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام امت این اراضی توسط کارگران و دهقانان سیستانی که با خانواده خود بر روی این اراضی کار می کردند کشت می شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی گروهکهای ضدانقلاب در مناطق حساس نظیر کردستان، گنبد، خوزستان و سیستان و بلوچستان شروع به فعالیت نمودند در منطقه گنبد با توجه به زمینه های موجود برای فعالیت این گروهکها نظیر غصب زمینهای منطقه توسط خاندان پهلوی، وجود فنودالها و مالکین بزرگ، مسئله قومیتهای متفاوت نظیر: فارس، ترکمن، سیستان و مسئله شیعه و سنی متمسکی شد که از این مسائل سوء استفاده نموده و با چهره خلق و تصرف زمینهای مالکین بزرگ که تعدادی از آنها فرار کرده بودند خود را در نظر مردم ترکمن موجه جلوه داده و با دادن شعارهایی نظیر صلح، زمین، آزادی و دامن زدن به مسئله قومیت تعدادی از مردم و روستائیان ترکمن را به طرف خود جلب نمودند و با

تشکیل شوراهایی از اهالی ترکمن منطقه شروع به مصادره زمینهای زراعی از مالکین غیر ترکمن کردند و با عنوان این مسئله که سیستانیها ایادی فنودالها بودند و برای فنودالها کار می کردند اکثریت این مستضعفین و محرومین را بنام طرفداری از خلق از خانه هایی که از نی ساخته شده بود بازن و فرزند بیرون و روانه شهرها نمودند. بدین ترتیب با اخراج کشاورزان سیستانی از منطقه اراضی زیر کشت پنبه به زیر کشت گندم آنهم کشت سطحی جهت تصرف زمین درآمد. (البته از سیاستهای غلط دولت موقت و وزیر کشاورزی وقت «ایزدی» در گرایش اهالی ترکمن به طرف این گروهکها نباید چشم پوشی کرد) و با شروع دودگرایی در گنبد مقداری زیادی از ادوات و ماشین آلات کشاورزی منطقه از بین رفته و یا مالکین قبل از فرار خود برده و تعدادی از چاهها را نیز تخریب کردند.

بررسی علل کاهش سطح زیر کشت و میزان تولید پنبه

با نگاهی به آمار سطح زیر کشت پنبه از سال ۵۶ الی ۶۲ در منطقه گرگان و گنبد می بینیم که سال به سال از میزان سطح زیر کشت این محصول به میزان قابل توجهی کاسته شده است. اهمیت اقتصادی این محصول اساسی ما را بر آن داشت تا برای بدست آوردن علل و عوارض کاهش سطح زیر کشت پنبه به منطقه گرگان و گنبد که عمده ترین منطقه کشت پنبه کشور می باشد رفته تا با برخورد

نزدیک از نظرات و پیشنهادات کشاورزان و مسئولین ذیربط اطلاعاتی در این زمینه بدست آوریم. در برخوردهایی که با کشاورزان و مسئولین دست اندرکار داشتیم همه به اتفاق دو عامل رادخیل در این مسئله می دانستند، یکی روشن نبودن وضع مالکیت زمینهای مزروعی در منطقه که باعث دلسردی و عدم تمایل به سرمایه گذاری برای برداشت بهتر در آینده می باشد. یعنی با توجه به وضعیت خاص حاکم بر منطقه حتی کشاورزان خرده مالک هم تمایلی به کشت پنبه که با علم به اینکه از نظر مالی به نفع خودش و به نفع اقتصاد مملکت است نشان نمی دهند زیرا با آوردن کشاورز دیگری برای همکاری در کشت پنبه که احتیاج به نیروی کار زیاد و مداوم دارد این خطر را احساس می کند که در سالهای بعد کشاورز مورد نظر در ملکیت او ایجاد مزاحمت نماید. و کشاورزانی که بصورت مشاعی زمینها را به زیر کشت پنبه می برند از سرمایه گذاری بر روی زمینهای مزروعی جهت تامین آب - خرید موتور پمپ و... خودداری می ورزند. امید به آن ندارند که آیا در سالهای بعد نیز این زمینها در اختیار آنها خواهد بود یا نه؟ و درآمد حاصله را صرف خرید لوازم منزل و غیره می نمایند. بطور خلاصه می توان گفت عمده علت کاهش سطح زیر کشت پنبه در منطقه گرگان و گنبد تزلزل مالکیت می باشد. عامل عمده دیگری که از صحتهای برادران کشاورز بر می آمد مسئله آب بود که بیشتر در زمینهای مشاعی مشاهده می شد. این

توسط سیستمها کشت می شد و یا که از حوزه فعالیت ستاد خلق ترکمن خارج بود بدنبال سرکوب ستاد خلق ترکمن در اوایل سال ۵۹ و تصویب طرح واگذاری و احیاء اراضی در خرداد ماه سال ۵۹ هفت نفره کار خود را شروع نمود.

شروع کار هیئت مصادف با اوضاع نابسامان کشاورزی در منطقه بود و زمینها در اختیار شوراهای روستایی که ستاد خلق ترکمن تشکیل داده بود قرار داشت و هزاران سیستمی آواره نیز درخواست زمین داشتند، لذا ابتدا هیئت با کمک جهاد سازندگی شروع به تشکیل شوراهای اسلامی در روستاها نمود تا خلع مدیریت در زمینهای تصرفی را که در اغلب روستاها وجود داشت بر نماید و سپس با تشکیل شورای کشت اعلام نمود که بایستی سیستمها برگشته و در کشت زمین با ترکمنها شریک باشند.

با بازگشت سیستمها بر روی زمینهای مزروعی و پرداخت وام از طریق اعتبار اختصاصی دویست میلیون تومانی هیئت هفت نفره، کشت بر



* عامل اساسی کاهش تولید پنبه در منطقه گرگان و گنبد تزلزل مالکیت است که

باعث دلسردی کشاورزان خرده مالک و مشاع می باشد که برای از بین بردن این علت اساسی باید هر چه زودتر وضع مالکیت در منطقه روشن گردد.

روی زمینها مقداری شکل گرفت و زمینهای که تأسیسات آن سالم بود توسط سیستمها زیر کشت پنبه و مابقی زیر کشت گندم بطور تقریباً اصولی قرار گرفت که سبزال تولید گندم زمینها در این سال چشمگیر بود و سطح زیر کشت پنبه نیز بیست و پنج هزار هکتار نسبت به سال قبل افزایش یافت با نظم گرفتن کار شوراها که اعضای آن تناسب جمعیت از اهالی ترکمن و سیستان تشکیل شده بود در سال ۶۰ با واگذاری زمینهای که قابلیت کشت پنبه داشت به سیستمها بقیه به ترکمنها جهت کشت گندم میزان سطح زیر کشت پنبه به میزان هشتاد و یک هزار هکتار باز رفت ولی بدلیل آنکه قبلاً توضیح داده شد و بدلیل اینکه تولید بند (ج) و (د) و بلاسکلیفی مسئله مالکیت در منطقه، مالکین زمینهای مزروعی بخاطر عدم اطمینان، زمینهای خود را به کشت پنبه

در سال ۵۹ ۵۰ هزار هکتار
در سال ۶۰ ۷۵ هزار هکتار
در سال ۶۱ ۸۱ هزار هکتار
در سال ۶۲ ۶۵ هزار هکتار
می بینیم که از سال ۵۶ تا ۵۸ نزول سطح زیر کشت یکساخت بوده و متأثر از جریانات کلی اغلاب و فرار بعضی از مالکین بزرگ بوده، ولی در سال ۵۹ یک مرتبه سطح زیر کشت از نصف هم کمتر شده و از ۱۱۵ هزار هکتار به ۵۰ هزار هکتار می رسد که دلیل این کاهش را می توان اوج فعالیت ستاد خلق ترکمن در منطقه دانست که اغلب زمینها در این سال تصرف شده و دو جنگ گنبد در همین سال اتفاق افتاد و این زمینها زیر کشت گندم قرار گرفت و در زمینهای هم که کشت پنبه صورت می گرفت، اغلب زمینهای بود که یا در اختیار مالکین ترکمن قرار داشت که

مسئله را نیز می توان از عدم تثبیت مالکیت دانست زیرا کشاورز مشاعی خود را مالک زمین نمی داند تا روی آن سرمایه گذاری کرد، و محصول بیشتر و بهتری را برداشت نماید.

با توجه به مسأله عنوان شده عامل اساسی کاهش سطح زیر کشت و تولید پنبه را عدم تثبیت (تزلزل) مالکیت می توان ذکر کرد البته دلایل جنبی دیگری نیز وجود دارد که اشکال در انعکاس نظرات مسئولین در نظر شورای خواهد شد.

با توجه به آمار سطح زیر کشت پنبه از سال ۵۶ تاکنون در منطقه می توان بدینسان حال کاهش را در دو مقطع زمانی سالهای ۵۹ - ۶۲ بسنجیم زیر تحالی

در سال ۵۶ ۱۷۰ هزار هکتار
در سال ۵۷ ۱۵۰ هزار هکتار
در سال ۵۸ ۱۱۵ هزار هکتار

عملیات مبارزه زراعی زمستانه

۸- تأمین و توزیع بموقع نهاد های

کشاورزی در مناطق پنبه کاری

۹- پرداخت وام از اعتبار جاری بانک

کشاورزی جهت کشت پنبه به شورا های

اسلامی روستاها که اراضی آنها مناسب

کشت پنبه می باشد.

در پایان از همکاری برادران نوری عضو

شورای مرکزی جهاد گرگان، مهندس روحی از اداره

کشاورزی گنبد، جهاد گنبد و ستاد مرکزی هیأت های

هفت نفره واگذاری زمین مستقر در گنبد که با یاری

و ارائه نظرات و پیشنهادات خود ما را در تهیه این

گزارش یاری نمودند سپاسگزاریم. والسلام.

صنایع دستی...

جانشین بصورت ابریشم مصنوعی، پشم مصنوعی

گالایت (فیبراستخوانی) و غیره که تماماً توسط

صنایع جدید تولید می شود، عمومیت یافته و

در نتیجه ارتباط و وابستگی صنایع دستی با صنایع

جدید ماشینی پیوسته افزایش مییابد.

معمولاً به کلیه فعالیتهای غیر زراعی که در

سطح روستا انجام میگردد، صنایع روستائی اطلاق

می شود. صنایع روستائی غیر از صنایع دستی

روستائی بوده و اغلب شامل صنایع مصنوعی و

بخصوص صنایع غذایی میگردد.

با توسعه کشاورزی مکانیزه که نتیجتاً موجب

کاهش مدت زمان لازم جهت کاشت و برداشت

محصولات زراعی و افزایش دوران فراغت و

بیکاری روستائینان شده اهمیت صنایع روستائی

فزونی یافته است بخصوص گسترش راههای

ارتباطی و شبکه حمل و نقل موجب برقراری تماس

هرچه بیشتر بین شهر و روستا شده و این امکان را

فراهم آورده که ساکنین روستاها مازاد تولیدات خود

را بطور مرتب در شهرها بفروش رسانند. صنایع

روستائی در حقیقت مکمل کار کشاورزی بوده و

بمنظور افزایش بازده کار و همچنین کاهش هزینه،

قسمتی از مراحل تولید تدریجاً بصورت ماشینی

درآمده است. متداول ترین صنایع روستائی

از میزان هفتاد هزار هکتار به پائین نیز قابل پیش

بینی است. ذیلاً جهت اطلاع پیشنهادات و نظرات

جمع بندی شده برادران مسئول را در زمینه افزایش

سطح زیر کشت پنبه یاد آور می شویم تا باشد انشاء

الله با انجام اقدامات مؤثر کشت این محصول

اساسی به حد مطلوب برسد.

۱- تعیین تکلیف اراضی مصادره ای

توسط شورای عالی قضایی که اغلب

صاحبان آن ها مالکین و فنودالهای فراری

منطقه بوده اند.

۲- روشن شدن وضعیت مالکیت در

مجلس شورای اسلامی جهت تعیین تکلیف

زمینهایی که زیر کشت موقت می باشند که

در اینصورت هم خرده مالکین و هم

زمینداران با اطمینان و دلگرمی بر روی

اراضی سرمایه گذاری و کار خواهند نمود.

۳- جلوگیری از کشت محصولات

جانشین پنبه در منطقه (از قبیل برنج، ماش،

گندم و...) که امکان کشت آنها در سایر

مناطق کشور می باشد و همکاری لازم

مسئولین و دست اندرکاران محلی

بخصوص مراجع قضایی در این رابطه.

۴- قیمت گذاری مناسب با در نظر

گرفتن میزان سود سالانه که از کشت

محصولات دیگر نصیب کشاورز می شود

با توجه به میزان کاربری و زحمت فراوانی

که کشت محصول پنبه لازم دارد.

۵- ارائه و خدمات ماشینی و

مکانیزاسیون جهت کاهش هزینه تولید پنبه

و در این رابطه حفظ یکپارچگی مزارع از

طریق مشاعها و تعاونیها.

۶- تقویت ایستگاههای تحقیقاتی پنبه

و اهمیت دادن به نحوه تولید بذر بطریق

صحیح و علمی

۷- تأمین بموقع امکانات اجرای

که به تعداد زیادی کشاورز برای کار هشت الی ۹

ماهه نیازمند است اختصاص نداده و به کشتهای

ساده نظیر صیفی جات با درآمدی بیشتر که احتیاج

به نیروی کار کمتری دارد، می پردازند در حال

حاضر در منطقه گنبد و گرگان حدود یکصد و پانزده

هزار هکتار زمین زیر نظر شورا های اسلامی و یا

مشاعها کشت می شود که با نظارت هیئت هفت نفره

و شورای کشت از کشتهای غیر استراتژیک

جلوگیری نموده. و تنها به کشت پنبه و گندم و سویا

و دانه های روغنی می پردازند ولی سایر زمینها که

در اختیار مالکین و خرده مالکین وجود دارد با توجه

به روشن نبودن مسئله مالکیت، امکانات فنی - قیمت

محصول پنبه در رقابت با سایر محصولات و بعضی

اشکالات کوچک دیگر به پنبه اختصاص نیافته و

زیر کشت گندم و یا صیفی جات، خصوصاً هندوانه

قرار دارد.

بعد از مسئله مالکیت و کمبود آب در منطقه

بعلت خرابی قنوات و چاهها عامل دیگری که در

تبدیل زمینها زیر کشت پنبه به سایر محصولات بر

درآمد تاثیر بسزایی داشته است سیستم قیمت

گذاری روی محصولات اساسی و عدم کنترل نرخ

محصولات رقیب می باشد که باعث شده قیمت

محصولات اساسی منطقه مثل پنبه و گندم در حد

نرخ اعلام شده کنترل و در مقابل محصولاتی مثل

هندوانه، گوجه فرنگی، ماش، برنج از چنان قیمتی

برخوردار شده بود که سود برشاری نصیب

کشتکاران اینگونه محصولات نموده است و با این

سیستم قیمت گذاری طبیعی است که سال به سال به

سطح کشت محصولات غیر اساسی که احتیاج

چندانی به نیروی کار فعال ندارد اضافه خواهد شد و

سطح کشت محصولات اساسی از قبیل پنبه که

احتیاج به مراقبت و کار ۸ الی ۹ ماهه دارد کاسته

خواهد شد.

پیشنهادات و نظرات پیرامون افزایش سطح

زیر کشت و تولید پنبه

با توجه به علل و عوارضی که موجب کاهش

سطح زیر کشت پنبه در منطقه گرگان و گنبد شده

است اگر اقدامات جدی و عاجل از طرف مسئولین

امر بعمل نیاید کاهش سطح زیر کشت این محصول